

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ اقدامات و اهداف
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی‌های او

بسم الله الرحمن الرحيم**نقد****نویسنده: علی****تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۹**

سخن شما مبنی بر ضرورت حمایت مردم برای به حاکمیت رساندن مهدی قابل پذیرش است، اما سخن شما مبنی بر ضرورت حمایت مردم برای ظهور او بر خلاف سنت دائم الهی است؛ چراکه خداوند تاکنون ظهور هیچ یک از حجّت‌هایش را وابسته به زمینه‌سازی مردم نکرده است و ما شاهد آن هستیم که انبیای زیادی به یک باره طبق دستور خداوند مبعوث شدند و بعد از مدّتی به دست مردم کشته شدند. در جایی از سایت، برای اثبات این موضوع، دعوت مخفیانه‌ی پیامبر را مثال زده‌اید، حال آنکه زمینه‌سازی برای ظهور اولیه‌ی یک حجّت الهی، با دعوت مخفیانه‌ی او پیش از دعوت علنی‌اش که زمینه‌سازی برای ظهور ثانویه‌اش محسوب می‌شود و در معیّت خودش صورت می‌گیرد، تفاوت دارد.

بررسی**تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۱۵**

نکته‌ی بسیار مهمّی که شما از آن غفلت کرده‌اید، این است که مهدی علیه السلام آخرین حجّت خداوند است و از این جهت، با همه‌ی حجّت‌های پیشین او تفاوت دارد و همین تفاوت است که او را بر خلاف آنان، به غیبت تا زمان حمایت کافی مردم واداشته است. توضیح آنکه هر یک از انبیاء و ائمّه‌ی گذشته می‌دانست که اگر توسط مردم کشته شود، نبی یا امام دیگری هست که راه او را ادامه دهد و کار او را به انجام رساند و از این رو، دلیلی برای غیبت تا زمان حمایت کافی مردم نداشت، ولی مهدی علیه السلام می‌داند که اگر توسط مردم کشته شود، امام دیگری باقی نمانده است که راه او را ادامه دهد و کار او را به انجام رساند و از این رو،

دلیلی برای غیبت تا زمان حمایت کافی مردم دارد. واضح است که نتیجه‌ی قهری و طبیعی چنین تفاوتی را نمی‌توان بر خلاف سنت خداوند دانست، وگرنه می‌توان ادعا کرد که ختم نبوت و امامت نیز خود بر خلاف سنت خداوند است، بلکه پر شدن زمین از عدالت نیز با سنت خداوند سازگاری ندارد، در حالی که خداوند و پیامبرش از وقوع همه‌ی آن‌ها خبر داده‌اند؛ همچنانکه از وقوع غیبت مهدی علیه السلام به سبب ترس از کشته شدن توسط مردم خبر داده‌اند.^۱

وانگهی ادعای شما مبنی بر اینکه غیبت مهدی علیه السلام به سبب عدم حمایت کافی مردم، بر خلاف رویه‌ی پیامبران است، از این جهت اشکال دارد که مهدی علیه السلام پیامبر نیست، بلکه امام است و وظیفه‌ی امام با وظیفه‌ی پیامبر متفاوت است؛ چراکه پیامبر تنها موظف به ابلاغ دستورات خداوند است؛ چنانکه فرموده است: ﴿مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾^۲، ولی امام موظف به اجرای آن‌هاست و اجرای آن‌ها بدون حمایت کافی مردم ممکن نیست.

ضمناً استشهاد به دعوت مخفیانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تبیین ضرورت زمینه‌سازی پیش از ظهور، کاملاً صحیح است؛ چراکه هدف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دعوت مخفیانه پیش از ظهورش، چیزی جز زمینه‌سازی برای ظهورش نبوده است؛ با توجه به اینکه مراد از ظهورش، صرف دیده شدنش توسط مردم نیست تا گفته شود که آنان بدون نیاز به زمینه‌سازی برای آن، او را می‌دیدند، بلکه مراد از ظهورش، معرفی علنی خودش به آنان با عنوان پیامبر است و این ظهور اولش محسوب می‌شود، نه ظهور دومش؛ چنانکه مهدی علیه السلام نیز در میان مردم وجود دارد و در بازارهاشان راه می‌رود و تبعاً توسط آنان دیده می‌شود، جز اینکه او را با عنوان مهدی علیه السلام نمی‌شناسند و مراد از غیبت او همین است، نه دیده نشدنش توسط مردم؛ چنانکه در روایتی از اهل بیت آمده است: «يَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ»^۳؛ «او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند» و در روایتی دیگر آمده است: «فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ، وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَأَمَّا سُنَّةُ مُوسَى فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ، وَأَمَّا سُنَّةُ يُوسُفَ فَإِنَّ إِخْوَتَهُ كَانُوا يُبَايِعُونَهُ

۱. در این باره، بنگرید به: نقد و بررسی ۱۴۰ و ۱۵۷.

۲. المائدة / ۹۹

۳. کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۳۵۱

وَيَخَاطِبُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ، وَأَمَّا سُنَّةُ عِيسَى فَالْسِّيَاحَةُ، وَأَمَّا سُنَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالْسَّيْفُ»^۱؛ «در مهدی سَنَّتِی از موسی و سَنَّتِی از یوسف و سَنَّتِی از عیسی و سَنَّتِی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، اما سَنَّتِی از موسی این است که او ترسان و گریزان است و اما سَنَّتِی از یوسف این است که برادرانش با او داد و ستد و گفتگو می کردند، ولی او را نمی شناختند و اما سَنَّتِی از عیسی این است که پیوسته در سیاحت است و اما سَنَّتِی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر است» و در روایتی دیگر آمده است: «وَسُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ، يَعْرِفُهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»^۲؛ «و سَنَّتِی از یوسف این است که او آنان را می شناسد، ولی آنان او را نمی شناسند» و در روایتی دیگر آمده است: «فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ؟ أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسْطَهُمْ، وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ؟ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ بِنَفْسِهِ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حَتَّى قَالَ لَهُمْ: ﴿هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي»^۳؛ «پس چرا این امت انکار می کنند که خداوند عز و جل با حجت خود همان کاری را کند که با یوسف کرد؟ اینکه در بازارهایشان راه برود و در مجالسشان حاضر شود، در حالی که او را نمی شناسند، تا اینکه خداوند به او اذن دهد که خودش را به آنان معرفی کند، همان طور که به یوسف اذن داد، تا اینکه به آنان گفت: >آیا می دانید که با یوسف و برادرش چه کردید هنگامی که جاهل بودید؟ گفتند: آیا تو یوسف هستی؟! گفت: من یوسف هستم و این برادر من است<».

بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از ظهور خود، برای آن زمینه سازی کرد؛ به این ترتیب که حمایت خدیجه از حیث مالی و حمایت ابو طالب از حیث امنیتی را جلب نمود و گروهی را برای یاری خود در مکه گرد آورد و تبعاً مهدی علیه السلام نیز پیش از ظهور خود، برای آن زمینه سازی می کند؛ به این ترتیب که حامیان و یارانی کافی را برای خود فراهم می آورد، خواه به صورت مستقیم از طریق هدایت حضوری

۱. کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۲۸؛ دلائل الإمامة للطبري الإمامي، ص ۵۳۲

۲. دلائل الإمامة للطبري الإمامي، ص ۴۷۰

۳. یوسف / ۸۹ و ۹۰

۴. الإمامة والتبصرة لعلي بن بابویه، ص ۱۲۲؛ الکافي للکليني، ج ۱، ص ۳۳۷؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۱، ص ۲۴۴؛ کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۱۴۵؛ الغيبة للنعماني، ص ۱۶۷؛ دلائل الإمامة للطبري الإمامي، ص ۵۳۱

یکی از پیروان عالم و صالحش مانند منصور خراسانی موعود؛ چنانکه در برخی روایات، از همراهی مهدی علیه السلام با او در خراسان یاد شده و آمده است: «إِنَّ فِيهَا خَلِيفَةً اللَّهَ الْمَهْدِيَّ»^۱؛ «هرآینه مهدی خلیفه‌ی خداوند، در میان آن‌ها (یعنی پرچم‌های سیاه خراسانی) خواهد بود» و خواه به صورت غیر مستقیم از طریق هدایت غیر حضوری یکی از پیروان عالم و صالحش مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که به باور بسیاری از مؤمنان، همان منصور خراسانی موعود است که در برخی روایات، از زمینه‌سازی او برای مهدی علیه السلام مانند زمینه‌سازی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ظهور او یاد شده و آمده است: «يُوطَنُ أَوْ يُمْكَنُ لِيَالِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَثَتْ قُرَيْشٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَجَبَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نَصْرُهُ»^۲؛ «برای آل محمد زمینه‌سازی می‌کند، همان طور که (مؤمنان) قریش برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زمینه‌سازی کردند، یاری او بر هر مؤمنی واجب است»^۳.

حاصل آنکه ضرورت حمایت مردم برای ظهور مهدی علیه السلام، بر خلاف سنت خداوند نیست و با قواعد عقلی و نصوص شرعی سازگاری کامل دارد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبری رهبرها



۱. مسند أحمد، ج ۳۷، ص ۷۰؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۶، ص ۵۱۶؛ الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۳۱۱؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۵۴۷؛ السنن الواردة في الفتن للداني، ج ۵، ص ۳۲؛ الملاحم لابن المنادي، ص ۴۴؛ البدء والتاريخ لابن سهل، ج ۲، ص ۱۷۴
۲. سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۰۸
۳. در این باره، بنگرید به: نقد و بررسی ۳۵.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.